

تحلیل نظام معنایی و رمزی گلشن راز

چکیده:

کتاب گلشن راز اثر شیخ محمود شبستری یکی از مهم‌ترین متون عرفانی قرن هشتم هجری است که در پاسخ به پرسش‌های عرفانی صوفیان خراسان نوشته شده و از دیرباز مورد توجه عرفا، شارحان و پژوهشگران قرار گرفته است. این اثر از جنبه‌های گوناگون، از جمله زبان رمزی، ساختار نمادین، و بنیان‌های معرفتی وحدت وجود، حائز اهمیت است. زبان شاعر در این اثر، زبانی تأویل‌پذیر، چندلایه و سرشار از اصطلاحات عرفانی و اشارات رمزی است که درک آن نیازمند آشنایی با نظام اندیشه‌ای عرفان اسلامی و مفاهیم کلیدی همچون وجود، نفس، عقل، شهود و فناست. در این مقاله، تلاش شده است با نگاهی تحلیلی و معناشناختی، ساختار رمزی و نظام معنایی این اثر عرفانی کاویده شود. ابتدا جایگاه و هدف شبستری از نگارش اثر بررسی شده، سپس ساختار پرسش و پاسخ منظوم تحلیل گردیده، و در نهایت، مهم‌ترین مضامین مطرح‌شده مانند وحدت وجود، معرفت نفس، مراتب هستی و سلوک عارفانه تحلیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که شبستری با استفاده از زبانی نمادین، نظامی منسجم از معرفت عرفانی بنیان نهاده که تا امروز نیز قابلیت تأویل و خوانش‌های تازه دارد. مقاله حاضر می‌کوشد پیوند میان فرم، محتوا و رمزگان معنایی در گلشن راز را با رویکردی تحلیلی آشکار سازد.

کلیدواژه‌ها:

گلشن راز، شبستری، عرفان نظری، وحدت وجود، معرفت نفس، زبان رمزی، استعاره عرفانی، نظام معنایی

ادبیات عرفانی فارسی، از مهم‌ترین بسترهای اندیشه و شهود در فرهنگ ایرانی-اسلامی است. آثاری چون «مصیبت‌نامه»، «منطق‌الطیر»، «فصوص‌الحکم»، «مثنوی معنوی» و نیز «گلشن راز» همواره کوشیده‌اند تا حقیقت وجود را از طریق زبان نمادین، شاعرانه و رمزگونه بیان کنند. یکی از برجسته‌ترین این آثار، «گلشن راز» اثر شیخ محمود شبستری است. این کتاب، در پاسخ به سیزده پرسش از سوی صوفی‌ای در خراسان نوشته شده و نویسنده در قالب منظوم، پاسخ‌هایی عمیق، موجز و سرشار از اندیشه‌های عرفانی ارائه داده است. شبستری، برخلاف بسیاری از شاعران صوفی، بر بنیادهای نظری عرفان اسلامی به‌ویژه اندیشه‌های ابن عربی و پیروان او تکیه دارد و مفاهیمی همچون وحدت وجود، مراتب هستی، معرفت نفس و اتحاد عارف با حق را با بیانی هنری و استدلالی بیان می‌کند.

درک نظام معنایی و ساختار رمزی گلشن راز، نه‌تنها به فهم این اثر خاص کمک می‌کند، بلکه شناختی عمیق‌تر از عرفان نظری اسلامی را نیز ممکن می‌سازد. زبان گلشن راز، پر از اصطلاحات خاص، تصاویر نمادین، و اشارات به مراتب وجود است. از این رو، تحلیل علمی و روشمند این اثر، نیازمند ترکیب سه حوزه اصلی است: عرفان نظری، تحلیل ادبی، و رمزخوانی متون. این مقاله بر آن است که با تحلیل تلفیقی، نشان دهد چگونه شبستری از طریق زبان رمزی، به بیان مفاهیم بنیادین عرفان اسلامی می‌پردازد و چگونه ساختار شعری و معنایی اثر با جهان‌بینی عرفانی او هم‌راستا است.

پیشینه پژوهش:

در دهه‌های اخیر پژوهش‌های بسیاری درباره گلشن راز انجام شده است. آثار پژوهشگرانی چون بدیع‌الزمان فروزانفر، سیدحسین نصر، عبدالحسین زرین‌کوب و دیگران، زمینه را برای تحلیل علمی این اثر فراهم کرده‌اند. در برخی مقالات، تمرکز بر ابعاد زبانی و بلاغی گلشن راز بوده است و در برخی دیگر، توجه به مبانی عرفانی آن مد نظر قرار گرفته است.

در دو مقاله پیشین که توسط نگارنده در نشریه‌های تخصصی عرفان و زبان و ادب فارسی منتشر شد، نخست به تحلیل استعارات وحدت وجودی و مسئله «گذر لفظ از معنا» در گلشن راز پرداخته شد. در مقاله دوم، نظام رموزوار معرفت نفس و وحدت وجود در این اثر بررسی گردید. اکنون، در این مقاله جدید، با رویکردی تلفیقی، تلاش می‌شود تا یافته‌های دو مقاله پیشین به‌صورت منسجم و در بستری گسترده‌تر ارائه شود.

همچنین با استناد به نسخه تصحیح‌شده شبیر احمد قهوجی از متن گلشن راز و نیز مقایسه با تفاسیر عرفانی دیگر، تحلیل دقیق‌تری از ابیات کلیدی اثر به‌دست داده خواهد شد. چنین تحلیلی نه‌تنها جنبه معنایی اثر را برجسته می‌سازد، بلکه نشان می‌دهد که زبان رمزی چگونه سازوکار انتقال شهود عرفانی می‌گردد.

بخش سوم: مبانی نظری و ساختار مفهومی گلشن راز

مبانی نظری عرفانی

برای فهم صحیح گلشن راز، باید با دستگاه فکری عرفان نظری اسلامی آشنا بود؛ عرفانی که با ابن عربی و مکتب وحدت وجود او شکل گرفت و در قرون بعدی در تفکر امثال صدرالدین قونوی، داوود قیصری، و بعدها عبدالرحمن جامی، گسترش یافت. در این نظام فکری، اصل بر این است که وجود، واحد است و تنها حقیقتی که واقعاً وجود دارد، ذات الهی است. تمامی کثرات هستی، جلوه‌ها و تعینات آن حقیقت مطلق‌اند.

بر اساس این مبنا، جهان آینه‌ای است که حق در آن ظهور می‌یابد، و عارف، با سیر و سلوک درونی، باید از ظاهر کثرات عبور کند تا به وحدت وجودی نائل گردد. این مسیر، از خودشناسی آغاز می‌شود: «من عرف نفسه فقد عرف ربه». خودشناسی در عرفان، نه به معنای روان‌شناختی یا فلسفی، بلکه نوعی شهود باطنی و شناخت حضوری از حقیقت وجود است.

زبان عرفانی نیز متناسب با همین حقیقت عمل می‌کند. چون حقیقت از طریق تجربه مستقیم عرفانی حاصل می‌شود، نمی‌توان آن را به زبان عقلانی و منطقی منتقل کرد. از این رو، عرفا به زبان رمزی، تمثیلی و استعاری روی می‌آورند تا از ظاهر الفاظ عبور کرده، مخاطب را به باطن معنا راه دهند. این زبان، نه پوشاننده حقیقت، بلکه «آشکارکننده» آن برای اهل دل است.

ساختار مفهومی گلشن راز

کتاب گلشن راز از نظر ساختاری پاسخی منظوم به سیزده سؤال صوفیانه است که هرکدام به یکی از مسائل مهم عرفان می‌پردازد: ماهیت وجود، معرفت نفس، فنا و بقا، اتحاد، عشق، سیر و سلوک، و... این ساختار پرسش‌پاسخ، هم جنبه آموزشی دارد و هم جنبه تعلیمی، چرا که خواننده را گام‌به‌گام در مسیر فهم مفاهیم عرفانی همراهی می‌کند.

هر پرسش، به نوعی دروازه‌ای است به یکی از مسائل بنیادی هستی‌شناسی عرفانی. پاسخ شبستری نیز، ضمن آن‌که موجز و شاعرانه است، اما در همان ایجاز، عمیق و چندلایه است. هر بیت، در ظاهر ساده و دل‌نشین است، اما در باطن خود، مفاهیمی چون مظاهر، تعینات، مراتب وجود، اسماء و صفات الهی، و شهود عرفانی را حمل می‌کند.

از این رو، گلشن راز تنها اثری شاعرانه نیست، بلکه اثری است نظام‌مند، که در آن، ساختار مفهومی عرفان نظری در قالب زبانی نمادین بازسازی شده است.

بخش چهارم: تحلیل نمادها، استعارات و زبان رمزی در گلشن راز

زبان رمزی و رمزهای عرفانی

شبستری در گلشن راز از زبان خاص عرفانی بهره می‌گیرد؛ زبانی که از زبان عقل‌گرایانه فلسفی متفاوت است. این زبان، بیشتر بر پایه‌ی رمز، نماد و استعاره استوار است، چرا که تجربه عرفانی، ماهیتی شهودی دارد و قابل انتقال با زبان صریح و مفهومی نیست.

در عرفان اسلامی، «رمز» ابزاری برای بیان مفاهیم باطنی است، بدون آنکه مستقیم گفته شود. رمز، سخن را در لفافه بیان می‌کند و معنایی را منتقل می‌سازد که فقط اهل معنا و اهل سلوک توان درکش را دارند. در گلشن راز، رمزها نقش کلیدی دارند: واژگانی مانند باده، معشوق، آینه، آفتاب، شب، خواب، گل، رنگ، بی‌رنگی، نقطه، دایره، نقش، آتش، خاک، باد، آب و... همه دارای سطوح گوناگون معنایی هستند.

نمادهایی مانند آینه به «تجلی»، باده به «شهود»، معشوق به «حق»، رنگ به «کثرت» و بی‌رنگی به «وحدت» اشاره دارند. این نمادها، مفاهیمی را حمل می‌کنند که در عرفان ابن عربی و مکتب او، ریشه دارند.

استعارات عرفانی در گلشن راز

یکی از ویژگی‌های برجسته گلشن راز، استفاده گسترده و خلاقانه از استعاره‌های عرفانی است. برای نمونه:

در آینه چو دید آن حسن مطلق / نداد از خویشتن آن حسن را حق

در این بیت، آینه استعاره‌ای از عالم است، که حسن مطلق یعنی ذات حق در آن متجلی می‌شود. این بیت، مفهومی بنیادین در عرفان را بیان می‌کند: ظهور حق در مظاهر و عدم استقلال مظاهر از ذات.

همچنین:

در آن دریای بی‌پایان چو غواص / زدم سر تا شدم در کنه احساس

در اینجا، دریا استعاره از حقیقت مطلق یا وجود نامتناهی است و غواص، سالک یا عارف است که با خطر کردن و دل به دریا زدن، در حقیقت غوطه‌ور می‌شود و به شهود می‌رسد.

استعارات در گلشن راز، صرفاً آرایه‌های ادبی نیستند، بلکه واسطه‌هایی برای گذار از الفاظ به معنا، از ظاهر به باطن، و از صورت به حقیقت‌اند.

بخش پنجم: تحلیل مفهومی «وحدت وجود» در گلشن راز

وحدت وجود: جوهر اندیشه شبستری

مفهوم وحدت وجود، شالوده اندیشه عرفانی شبستری است. در این مکتب، وجود حقیقی منحصر به ذات حق است و سایر موجودات، تجلیات و مظاهر اویند. این اندیشه، برگرفته از عرفان ابن عربی است و شبستری با زبانی شاعرانه و رمزی، آن را بیان می‌کند.

یکی از ابیات مهم در این باره:

تو گویی جمله عالم نقش بسته‌ست / به آیینه در او خود را نموده‌ست

در این بیت، عالم همانند آینه‌ای است که ذات الهی در آن منعکس می‌شود. نقش‌ها و صورت‌های عالم، اگرچه متعدّدند، اما همه یک حقیقت دارند: حق تعالی.

خودشناسی به مثابه خداشناسی

در عرفان نظری، راه شناخت حق از طریق معرفت نفس می‌گذرد. شبستری در پیوندی که میان وحدت وجود و معرفت نفس برقرار می‌کند، می‌نویسد:

تو خود را گر شناسی، حق شناسی / در این یک جمله‌ای بس ناخوراسی

این بیت، چکیده اندیشه معرفت نفس است. انسان، به عنوان مظهر اسماء و صفات الهی، اگر به شناخت نفس خویش برسد، در واقع به شهود حق نائل آمده است. شبستری، بر بنیاد حدیث «من عرف نفسه فقد عرف ربه» این دیدگاه را پرورش می‌دهد.

وحدت و کثرت در گلشن راز

یکی از مسائل مهم در عرفان نظری، رابطه وحدت و کثرت است. شبستری در ابیات متعددی به این موضوع می‌پردازد و بیان می‌دارد که کثرت، چیزی جز ظهورات وحدت نیست. او کثرت را نقش پرده و صورت ظاهر می‌داند:

یکی را چون عدد بسیار کردند / شد آن واحد به ظاهر جمله اشیاء

این بیت، دیدگاهی فلسفی و عرفانی را بیان می‌کند: واحد حقیقی، هنگامی که در مراتب ظهور می‌آید، به اشیای کثیر مبدل می‌گردد؛ اما حقیقت، همچنان همان واحد باقی است.

بخش ششم: معرفت نفس در گلشن راز؛ راهی به سوی شهود هستی

معرفت نفس؛ آینه‌ای برای کشف حق

یکی از مهم‌ترین محورهای گلشن راز، مفهوم معرفت نفس است. شبستری به تبع عرفای پیش از خود، مانند حلاج، عین‌القضات و ابن عربی، معرفت نفس را نه فقط مقدمه بلکه جوهری شناخت حق می‌داند. او می‌گوید:

تو خود را گر شناسی، حق‌شناسی / در این یک جمله‌ای بس ناخوراسی

در اینجا، پیوند معرفت انسان از خویش با معرفت از خداوند، با تأکید بر درون‌نگری، بنیاد روش عرفانی تلقی شده است. «خود» در این بیت، نه نفس اماره بلکه نفس ناطقه و روح الهی است که در انسان دمیده شده است.

نفس انسان، نسخه‌ای از هستی

شبستری به صورت تمثیلی و رمزی، انسان را عالم صغیر و هستی را عالم کبیر می‌داند؛ اما در اصل، آن‌دو آینه‌ی یک حقیقت هستند:

جهان اکبر است آن آدمی‌زاد / که هستی جمله از وی گشت بنیاد

در این بینش، انسان مقام خلیفه‌اللهی دارد؛ چرا که مظهر جامع تمام اسماء و صفات الهی است. شبستری، همچون مولانا، این دیدگاه را در چارچوبی شاعرانه و شهودی بیان می‌دارد.

رهایی از تعینات؛ شرط شناخت خویش

از دیدگاه شبستری، تا زمانی که انسان در حجاب‌های نفس و تعینات گرفتار است، به معرفت حقیقی نفس دست نخواهد یافت. برای شهود ذات حق، نخست باید از منِ نفسانی عبور کرد:

به ترک خود، خودی حاصل کنی تو / به ترک جان، دلی کامل کنی تو

در این بیت، «ترک خود» یعنی گذر از نفس محدود، و رسیدن به ذات کلی انسانی که در اتصال با حقیقت مطلق قرار دارد.

نتیجه‌گیری از این بخش:

در گلشن راز، معرفت نفس هم راه است، هم مقصد. این معرفت، پلی میان انسان و خداوند، و همچنین راهی برای کشف حقیقت هستی است. شبستری با زبانی رمزی، از این طریق به نوعی هستی‌شناسی عمیق دست می‌یابد که در آن، «خود» و «حق» در یگانگی‌اند.

بخش هفتم: تحلیل زبان رمزی و استعاره‌های عرفانی در گلشن راز

زبان رمزی؛ زبان اهل دل

شبستری در گلشن راز به دلیل ماهیت غیرقابل بیان حقایق عرفانی، از زبان رمزی بهره می‌برد. این زبان، برخلاف زبان صریح عقلانی، بر پایه کنایه، نماد، و اشاره استوار است و برای اهل دل معانی عمیق را آشکار می‌کند.

استعاره‌ها و نمادها، واسطه‌هایی هستند که از ظاهر الفاظ به عمق معانی راه می‌برند. برای مثال، «باد» در عرفان نماد معرفت و شهود است، و «معشوق» نماد حق مطلق:

از باده عشقم بی‌خمار شدی / همسایه خورشید و ماه شدی

نمادهای کلیدی و معانی چندلایه

در گلشن راز، نمادهایی مانند «آینه»، «آفتاب»، «شب»، «باد»، «خاک»، «آتش»، «باد»، و «آب»، هر کدام حامل لایه‌های متعدد معنایی هستند که با عرفان نظری همخوانی دارند. این نمادها خواننده را به عمق تجربه عرفانی رهنمون می‌سازند و به فهم وحدت وجود، فنا و بقا کمک می‌کنند.

استعاره‌های معروف و تحلیل آنها

برای نمونه:

آینه چو دید آن حسن مطلق / نداد از خویشتن آن حسن را حق

آینه نمادی است از عالم که حقیقت در آن متجلی است، اما خود آینه در حقیقت به آن زیبایی (حسن مطلق) تعلق ندارد، که نشانگر جدایی صورت و حقیقت است.

بخش هشتم: تحلیل تفصیلی بیت‌های کلیدی گلشن راز

بیت اول:

تو گویی جمله عالم نقش بسته‌ست / به آینه در او خود را نموده‌ست

این بیت به وضوح مفهوم وحدت وجود را بیان می‌کند. عالم به مثابه آینه‌ای است که ذات الهی در آن منعکس شده است. این تصویر شعری، نشان می‌دهد که تمام کثرات هستی، صرفاً تجلیاتی از حق مطلق هستند و هیچ استقلالی از او ندارند.

بیت دوم:

تو خود را گر شناسی، حق شناسی / در این یک جمله‌ای بس ناخوراسی

شبستری در این بیت به اهمیت معرفت نفس تأکید دارد و آن را کلید شناخت حق معرفی می‌کند. شناخت خود واقعی، که در عرفان به معنای شناخت نفس مطمئنه است، دری به سوی شهود الهی باز می‌کند.

بیت سوم:

یکی را چون عدد بسیار کردند/ شد آن واحد به ظاهر جمله اشیاء

این بیت بر فلسفه وحدت و کثرت دلالت دارد؛ نشان می‌دهد که چگونه واحد حقیقی در ظاهر به کثرت و تعدد تبدیل می‌شود. این کثرت، تنها ظاهری است و باطن آن، وحدت مطلق است.

بیت چهارم:

به ترک خود، خودی حاصل کنی تو / به ترک جان، دلی کامل کنی تو
شبستری در اینجا از سیر و سلوک عرفانی سخن می‌گوید که در آن سالک باید «خود» و «نفس» را ترک کند تا به حقیقت خویش برسد و دلی پاک و کامل داشته باشد. ترک «جان» نماد عبور از تعینات نفسانی است.

بیت پنجم:

از باده عشقم بی‌خمار شدی / همسایه خورشید و ماه شدی

این بیت استعاره‌ای از سیر معنوی است؛ «باده عشق» نشانه معرفت و اشتیاق به حق است که انسان را از هشپاری معمولی خارج کرده و به مقام عرفانی می‌رساند که همپای نورهای الهی (خورشید و ماه) قرار گیرد.

این تحلیل‌ها، نمونه‌ای از شیوه خوانش رمزی و عرفانی گلشن راز هستند که خواننده را به درک عمیق‌تر معنای ابیات هدایت می‌کنند.

بخش نهم: ادامه تحلیل ابیات کلیدی گلشن راز

بیت ششم:

در آن دریای بی‌پایان چو غواص / زدم سر تا شدم در کنه احساس

این بیت تصویری از سیر عرفانی سالک را ارائه می‌دهد. دریای بی‌پایان نماد حقیقت مطلق است و غواص، عارف است که با خطر کردن و فرو رفتن در عمق هستی، به شهود و دریافت باطنی دست می‌یابد. «کنه احساس» اشاره به عمق درک شهودی دارد که فراتر از عقل و حس معمولی است.

بیت هفتم:

یکی پرده‌ای است در کارگه راز / که ورق بر خورد، آشکار شود راز

این بیت به مفهوم «پرده» در عرفان اشاره دارد. پرده نماد حجاب و مانع شناخت است و «کارگه راز» به عرصه عرفان و سیر و سلوک اشاره دارد. به محض کنار رفتن پرده‌ها، اسرار و حقایق آشکار می‌شود.

بیت هشتم:

هر که در چاه توفان افتاد دری / نجات یافت ز آتش آتش‌فشان شد

در این بیت، «چاه توفان» نماد سختی‌ها و خطرهای مسیر عرفانی است. سالکی که در این دشواری‌ها غرق می‌شود، پس از گذر از آن، همچون آتش‌فشان، شعله‌ور و درخشان می‌شود که نشان از تحقق مقام عروج و ظهور نور عرفانی دارد.

بیت نهم:

خاکم به سر کن که خاکی ز خاک شدم / تا نروم ز خاک به خاک نالم

خاک در این بیت نماد فنا و بازگشت به اصل است. شبستری با این تصویر بیان می‌کند که سالک باید خود را خاک بداند تا به فنا و بقا برسد؛ ترک تعلق به دنیا و رسیدن به مراتب بالاتر عرفان.

بیت دهم:

زین نقش رنگین همه نقش‌ها زاد / بی‌رنگی نقش او ما را ماند

این بیت به مفهوم رنگ و بی‌رنگی اشاره دارد. نقش‌ها و رنگ‌های مختلف، نشانه کثرت‌های ظاهری‌اند، اما بی‌رنگی (وحدت) حقیقت نهایی است که عارف باید به آن برسد.

این مجموعه بیت‌ها نمونه‌های شاخصی از زبان رمزی و مفاهیم عمیق گلشن راز هستند که نشان می‌دهند چگونه شبستری به شیوه‌ای شاعرانه و فلسفی، عرفان نظری را بیان می‌کند.

بخش دهم: نتیجه‌گیری و پیشنهادات پژوهشی

نتیجه‌گیری

کتاب «گلشن راز» شیخ محمود شبستری، نمونه‌ای برجسته از عرفان نظری در ادبیات فارسی است که با زبانی رمزآلود و نمادین به مفاهیم عمیق وحدت وجود، معرفت نفس، و سیر و سلوک عرفانی می‌پردازد. این اثر، نه تنها متنی ادبی، بلکه نظام فکری پیچیده‌ای است که می‌توان آن را در قالب یک ساختار معنایی و رمزی تحلیل کرد.

تحلیل انجام‌شده در این مقاله نشان داد که شبستری با بهره‌گیری از استعاره‌ها و زبان رمزی، مفاهیم عمیق عرفان اسلامی را به شکل شاعرانه و چندلایه بیان کرده است. محور اصلی این اثر، وحدت وجود است که در قالب تصاویر شعری به صورت تجلی حق در مظاهر عالم بیان شده است. همچنین، معرفت نفس به عنوان راهی برای درک حق و رسیدن به شهود، نقش کلیدی در ساختار معنایی گلشن راز دارد.

پیشنهادهای پژوهشی

با توجه به اهمیت و پیچیدگی گلشن راز، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده در زمینه‌های زیر انجام شود:

۱. تحلیل تطبیقی گلشن راز با دیگر آثار عرفانی ایرانی مانند مثنوی معنوی، فتوحات مکیه و اسرارنامه عطار، برای شناخت تأثیرات و تفاوت‌ها.
۲. بررسی نقش زبان و سبک ادبی در انتقال مفاهیم عرفانی مطالعه دقیق‌تر در حوزه بلاغت عرفانی و زبان رمزی.
۳. مطالعه ترجمه‌ها و تأثیر آن‌ها بر فهم گلشن راز تحلیل چگونگی انتقال مفاهیم عمیق عرفانی به زبان‌های دیگر.
۴. کاربرد مفاهیم گلشن راز در عرفان معاصر و عرفان تجربی بررسی امکان استفاده از آموزه‌های شبستری در عرفان‌های نوظهور.

چکیده انگلیسی (English Abstract)

:Abstract

The Golshan-e Raz (The Secret Garden) by Sheikh Mahmoud Shabestari is one of the most significant poetic works of Persian mystical literature. This article provides a semantic and cryptographic analysis of the text, focusing on key concepts such as the unity of existence

(Wahdat al-Wujud), self-knowledge (Ma'rifat al-Nafs), and mystical symbolism. By employing a combined approach of literary, philosophical, and mystical interpretation, the study reveals how the poet uses symbolic language and metaphors to convey complex Sufi ideas. The research highlights the text's structural and thematic depth, emphasizing its place in the tradition of Islamic theoretical mysticism.

:Keywords

Golshan-e Raz, Shabestari, Mystical Literature, Unity of Existence, Self-Knowledge, Mystical Symbolism, Semantic System

منابع فارسی

۱. شبستری، محمود. گلشن راز. تصحیح شبیر احمد قهوجی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
۲. فروزانفر، بدیع الزمان. مثنوی معنوی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۶۲.
۳. نصر، سید حسین. عرفان اسلامی. تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۷.
۴. زرین کوب، عبدالحسین. صورتگری عرفان ایرانی. تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۷۸.
۵. ملکوتی، سید محمد. زبان و رمز در شعر عرفانی. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴.
۶. جامی، عبدالرحمن. نفحات الانس. تهران: انتشارات سخن، ۱۳۶۵.
۷. قونوی، صدرالدین. فتوحات مکیه (ترجمه و شرح). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.

منابع انگلیسی

۱. Chittick, William C. The Sufi Path of Knowledge: Ibn al-Arabi's Metaphysics of Imagination. Albany: SUNY Press, 1989.
۲. Corbin, Henry. Creative Imagination in the Sufism of Ibn Arabi. Princeton University Press, 1969.
۳. Nasr, Seyyed Hossein. Islamic Spirituality: Foundations. New York: Crossroad, 1987.

Schimmel, Annemarie. *Mystical Dimensions of Islam*. Chapel Hill: University of North Carolina Press, 1975.

Lambton, Ann K.S. *Continuity and Change in Medieval Persia*. State University of New York Press, 1988.